

اخبار کارگری

کارگران مشغول کار شدند
پایان اعتراض
کارگران نیشکر هفت تپه



اعتراض صنفی کارگران نیشکر هفت تپه پس از گذشت نزدیک به ۱۴ روز خاتمه یافت و کارگران بخش‌های مختلف مشغول فعالیت حرفه‌ای خود شدند. منابع خبری ایلنا در مجتمع نیشکر هفت تپه؛ از خاتمه اعتراض صنفی دو هفته‌ای کارگران این واحد صنعتی و بازگشت به کار تمامی کارگران شاغل در واحد کشاورزی و صنعتی این مجتمع خبر می‌دهند. بر پایه این گزارش؛ این کارگران از دو هفته پیش در اعتراض به محقق نشدن مطالبات نیروهای شاغل و بازنشسته بخش‌های مختلف کشاورزی و صنعتی در اعتراض صنفی به سر می‌بردند که به دنبال مذاکرات صنفی کارگران در استانداری و اداره کار شهرستان شوش، نتایج مطلوبی حاصل شد و اعتراضات خاتمه یافت.

■ ■ ■

مسئولان قول پیگیری دادند

پایان اعتراض یک‌روزه کارگران
تولی پرس



اعتراض یک‌روزه کارگران شرکت تولی پرس در مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری شهرستان البرز به پایان رسید. به گزارش ایلنا و به نقل از منابع خبری کارگری در واحد تولیدکننده محصولات شوینده و بهداشتی واقع در شهرک صنعتی البرز در استان قزوین؛ معترضان شنبه، ۱۰ شهریورماه، درواکش به بالاتکلیفی ومشکلاتی که در نتیجه تعطیلی‌های مکرر محل کار خود به آن دچار شده‌اند، تجمع کرده بودند. گفته می‌شود؛ این تجمع اعتراضی حوالی ساعت ۵ صبح آغاز شد و در نهایت حوالی ساعت ۱۷ عصر با وعده مسئولان فرمانداری شهرستان البرز خاتمه یافت. این کارگران که شمار آنها تا ۶۰ نفر برآورد می‌شود، به ایلنا گفتند: مسئولان را شدفردمانداری البرز باگوش دادن به سخنان و مشکلات آنان، وعده پیگیری خواسته‌های کارگران را تا چندروز آینده دادند. آنها تصریح کردند: خواسته ما بازگشت به کار و فراهم کردن تهیه مواد اولیه برای ازرگیری تولید است، چرا که اعتقاد داریم این واحد تولیدی هیچ مشکلی در زمینه تولید و فروش محصولات خود ندارد.

■ ■ ■

شرکت رنگ‌رین به‌طور موقت
تعطیل شد

مدیرعامل شرکت رنگ‌رین گفت که این کارخانه به علت عدم افزایش قیمت به‌طور موقت تعطیل است. این در حالی است که روایت اداره کار تهران چیز دیگری است. هادی بطحایی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اعلام تعطیلی موقت این کارخانه در رباط کریم تهران گفت: سازمان حمایت از تولیدکنندگان از سال ۹۲ به‌ما اجازه افزایش نرخ نداده است. رنگ‌در حال حاضر ۱۸ هزار تومان برای تولیدکننده تمام می‌شود و از طرفی از ۶ماه گذشته تولید ما با ضرر بوده است که در نهایت ناچار به تعطیلی موقت واحد تولیدی خود شدیم. او درباره تغییر نکردن قیمت رنگ گفت: قیمت‌های ما را سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان تعیین می‌کند و در حال حاضر اگر قیمت فعلی که ۱۰ هزار و ۸۷۵ تومان است را حتی ۱۶ هزار تومان اعلام کنند، برای تولیدکننده صرف نمی‌کند. این تولیدکننده رنگ در مورد تعداد کارگران کارخانه‌اش و معرفی آن‌ها به بیمه‌بیکاری و شرایط دستمزدی فعلی آن‌ها گفت: به علت سیاست‌های کاری ام نمی‌توانم از تعداد کارگران اطلاع بدهم.

گزارشی از تعطیلی موقت به‌اداره کار

نرسیده است

در این میان علی محمد زندپو، روابط عمومی اداره کار استان تهران در ارتباط با خبر تعطیلی موقت این کارخانه گفت: اداره کار تا به امروز گزارشی از سوی هیچ کارخانه‌ای در استان تهران دریافت نکرده است. هر کارخانه‌ای برای اعلام تعطیلی حتی موقت باید به اداره کار در مورد کارگران و وضع آن‌ها اطلاع دهد.

گزارشی از ادامه کاهش قدرت خرید کارگران

ترمیم دستمزد کافی نیست



نسرین هزاره مقدم

این گزارش نگاهی است به عواقب اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه‌های گذشته و اینکه چگونه ادامه این سیاست‌ها می‌تواند هر نوع افزایش مزدی را زایل کند.

از دهه ۷۰ میلادی به این سو، دولت‌های سرمایه‌داری «سیاست‌های کینزی» را کنار گذاشتند و برای گردش امور، تمام و کمال به دست‌های نامرئی «آدام اسمیت» اعتماد کردند. با این چرخش ناگهانی به راست، حمایت از صنایع نوپا، نظارت دولت بر نهادهای اقتصادی و حمایت از دستمزد حقوق‌بگیران تعطیل شد. ایجاد سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از اواخر دهه ۱۹۴۰ و قدرت‌گیری آنها در دهه‌های بعدی نیز در همین راستا صورت گرفت.

دولتمردان جهان توسعه‌یافته، نسخه «تعدیل ساختاری» را برای تمام جهان پیرامونی، به‌شکل یکسان پیچیدند و با توسل به بدهی‌های هنگفت این کشورها به نهادهای مالی بین‌المللی، این کشورها را متقاعد و یا به عبارت دقیق‌تر «مجبور» کردند نسخه تجویز شده را بدون توجه به تفاوت در زیرساخت‌ها و توانمندی‌های خود اجرائی کنند.

احمد سیف، اقتصاددان و استاد دانشگاه‌های لندن، در کتاب «در انکار نتولیر الیسم» مولفه‌های اصلی برنامه‌های تعدیل ساختاری را اینگونه برمی‌شمارد: خصوصی‌سازی، تضعیف ارزش پول ملی، مقررات‌زدایی از بازار کار که شامل انعطاف دستمزدها است و البته تجارت آزاد.

افزایش کسری پرداخت‌ها
و گسترش فقر

این اقتصاددان با عدد و آمار نشان

می‌دهد که در هیچ‌یک از کشورهای جهان پیرامونی صرف‌نظر از اینکه کجای جهان قرار گرفته باشد، چه در آمریکای لاتین باشند و چه در آسیا یا آفریقا، سیاست‌های تعدیل ساختاری هرگز نتوانسته به اهداف ادعایی خود که همان تخصیص بهینه منابع ورشد اقتصادی ست، دست پیدا کند. در عوض، نتیجه اجرای این سیاست‌ها همه جا یک چیز بوده است: افزایش کسری پرداخت دولت‌ها و البته توزیع فقر و نابرابری در جوامع.

آنچه در دهه‌های گذشته در ایران شاهد بودیم نیز در چارچوب همین معادلات تعدیل ساختاری می‌گنجد؛ منادیان بازار آزاد و تعدیل ساختاری معتقدند نیاز حفظ ارزش پول ملی دفاع کرد چرا که با کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار، دولت‌ها می‌توانند صادرات بیشتری داشته باشند و در بازار آزاد بیشتر «رقابت» کنند؛ از سوی دیگر پول تنزل یافته ملی، درآمدرزی بیشتری نصیب دولت می‌کند. در حالی که این معادله ساده‌انگارانه تک مجهولی در شرایطی که صنایع یک کشور نوپا هستند و توان رقابت با نمونه‌های خارجی را ندارند، و از سوی دیگر، کشور هنوز در زمینه تامین مواد اولیه به خود کفایی نرسیده، می‌تواند مثل یک سم مهلک، اقتصاد نوپا را از پایبندار؛ از یک طرف مواد اولیه و سرمایه‌ای با نرخ گران‌وارد می‌شود و یا اصلاً وارد نمی‌شود و از طرف دیگر، خروجی صنایع نوپا و هنوز توسعه نیافته، توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را ندارد.

سیف این تعارض ساختاری را به دادن چلوکباب برگ به بچه دو ساله توصیف می‌کند؛ او معتقد است همانطور که چلوکباب برگ می‌تواند یک بچه دو ساله را از پا بیندازد، آزادسازی بازار اقتصاد و مقررات‌زدایی نیز می‌تواند اقتصاد در

یک فعال کارگری: بحث
ترمیم دستمزد گرچه
ضروری است، مشکلات
را «اساسی» حل نمی‌کند؛
۱۹.۵ درصد افزایش مزد
بعد از افزایش نرخ ارز و تورم
تبعی آن، کاملاً بی‌اثر شد.
آنچه مهم‌تر است فقدان
یک سیاست پایدار و
باثبات در رابطه با کارگران و
فروستان است

حال توسعه و نوپا را در کشورهایی مثل ایران مضمحل کند. او معتقد است: در کشورهایی که به دلیل فضای بسته سیاسی، «اقتصاد مافیایی» دارند، نتایج سیاست‌های نتولیر الیستی به مراتب کشنده‌تر هم هست. این روزها نتایج این سیاست‌های دست‌راستی را بیش از هر زمان دیگری می‌بینیم؛ از یک سو، ارزش پول ملی به کم‌ترین سطح ممکن رسیده و به تبع آن قدرت خرید دستمزد در اقتصاد وابسته به دلار، کاهش پیدا کرده و از سوی دیگر «خصوصی‌سازی» که مرصنایع را شکسته است، صنایعی داریم مانند نیشکر هفت تپه یا فولادهاوز که پس از خصوصی‌سازی، قادر به تامین مواد اولیه و ارداتی نیستند و این روزها حال‌شان از همیشه بدتر است.

مناسباتی که جامعه را در
باتلاق فقر فرو برده است
یک فعال کارگری نیز در رابطه با پیامدهای سیاست‌های نتولیر الی می‌گوید: مارخوش خط و خالی که در طی دهه‌ها، به نام «سازندگی» منابع اقتصادی کشور را به دلالت و رانت‌خوران داد، کارگران و فروستان رانیز به خاک سیاه نشاند. شعارهای رنگارنگ در جهت بهبود شرایط موجود، هرروزه و هر ساله صادر

می‌شود و مجریان بدون توجه به حتی توجیه آن‌ها، راهی‌رامی‌روند که در پشت درهای بسته درمورد آن به توافق رسیده‌اند. توافقی کلان؛ فراتر از قانون اساسی که اصول آن در اصل، به آنها مشروعیت داده است و آنها به نام آن، اهرم‌های قدرت را در دست گرفته‌اند. باوری که فقط منافع بی‌پایان چند سودلال را پاس می‌دارد و تضمین می‌کند. این مناسبات اقتصادی کل جامعه را در باتلاق فقر، نیستی و ورشکستگی فرو برده است.

ناصر آقاجری در ادامه می‌گوید: این جماعت اگر می‌خواهند مانع از «فروپاشی» شوند، باید آستین‌ها را نه‌ظاهری که اصولی واقعی بالا بزنند و در این راه باید به اصول بازگردند؛ به قانون اساسی و قانون کار. برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی، فقط ترمیم مزد کارگران و حقوق‌بگیران کافی نیست؛ تعدیل، خصوصی‌سازی و ائتلاف منابع ملی به نام سازندگی باید یکسو نهاده شود و آنچه احکام قوانین مردمی برآمده از انقلاب ۵۷ است، اجرائی شود.

آنچه در سال‌های اخیر بر سر صنایع ملی و وطنی افتاده فاجعه‌بار است؛ «پلی‌اکریل اصفهان» به عنوان قطب صنعت نساجی کشور بعد از ماه‌ها توقف خود خواسته اما لاجرم تولید، کارگران را از ابتدای سال برای کار فراخوانده اما هنوز قادر به تامین مواد اولیه نیست؛ همه نهادهای مربوطه از نمایندگان مجلس گرفته تا استانداری و حتی هیات حمایت از صنایع دولت نیز وارد گود شده‌اند اما نتوانسته‌اند گره کور بحران در پلی‌اکریل را باز کنند.

نیشکر هفت تپه» یکی دیگر از واحدها به شدت مشکل دار است که پیدایش مشکلات آن با «خصوصی‌سازی» گره خورده است. کارگران این واحد تولیدی قدیمی، هفته‌های متوالی تجمع اعتراضی برگزار می‌کنند. این کارگران هفته گذشته در دوازدهمین روز متوالی اعتصاب خودشان اعلام کردند همچنان تا واگذاری شرکت به بخش دولتی یا نهاد صلاحیت دار اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.

این راه همچنان
به ترکستان می‌رود!

آقاجری معتقد است تازمانی که سیاست‌های کلی تغییر نکند، در بن‌تولیرال‌ها بر همین پاشنه خواهد چرخید و دست به دست شدن واحدهای تولیدی با مُسکِن‌هایی مانند بسته‌های حمایتی فقط ظاهر سازی و تلاش برای استتار موقت بحران است.

او تأکید می‌کند: آنها که خود سیاست‌های علنی حذف برخی از اصول قانون اساسی مانند اصول ۴۴ و ۴۵ و بنیادهای اقتصاد کلان کشور

را تعیین کرده و راه‌مردمی اقتصادی را نشان داده و حذف کامل قانون کار را رقم زده‌اند و با پایان گرفتن جنگ به صورت علنی تحت‌نام تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی، بیش از ۳۰ سال است خزنه پیش‌رفته و با این روند عوارض ر کودتوری را هر روز بیشتر و ژرف‌تر بر سر کارگران و همه حقوق‌بگیران و زحمتکشسان شهر و روستا آوار کرده و بیکاری، تورم و فقر پیش‌رونده را همراه با نابودی اکوسیستم محیط زیست کشور را همه‌جانبه پیش برده‌اند؛ این روزها اگر می‌خواهند فروپاشی صورت نگیرد، باید دست به اقدامات اساسی بزنند؛ والا این راه همچنان به ترکستان می‌رود....

بهرام حسنی نژاد نیز که یک فعال کارگری و دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملوست، تلاش برای «ترمیم‌مزد» و برگزاری جلسات سه‌جانبه‌ی شورای عالی کار را در صورتی که معطوف به نتیجه‌ی قابل اجرا برای کارگران شود را مثبت توصیف می‌کند اما معتقد است این کافی نیست و فقط می‌تواند مرمهی موقت بر دردها و زخم‌های طبقه‌ی کارگر باشد.

گروه کارگری شورای عالی کار کاهش قدرت خرید دستمزد را ۴۸ درصد و با تفسیری دیگر ۷۲ درصد تخمین زده‌اند و در راستای این کاهش‌ها، کمیته دستمزد با موافقت شورای عالی کار تشکیل جلسه داد؛ در این جلسه راهکارهایی مانند افزایش بن کارگری و تامین مایحتاج سبید معیشت از طریق تعاونی‌های مصرف ارائه شد؛ گروهی از فعالان کارگری معتقدند این به تنهایی کافی نیست و باید یسستی حتماً «ترمیم‌ریالی» دستمزد نیز صورت بگیرد.

حسنی نژاد اما موضوع را از بُعدی کلان‌تر بررسی می‌کند و می‌گوید: بحث ترمیم دستمزد گرچه ضروری است اما مشکلات را «اساسی» حل نمی‌کند؛ شما دیدید که چه بر سر همان ۱۹.۵ درصد افزایش مزد آمد؛ بعد از افزایش نرخ ارز و تورم تبعی آن، آن افزایش کاملاً بی‌اثر شد. آنچه مهم‌تر است فقدان یک سیاست پایدار و باثبات در رابطه با کارگران و فروستان است.

ضرورت باز توزیع عادلانه
منابع و درآمدها

وی ادامه داد: هر قدر هم امروز مزد زیاد شود، دوباره آسان‌ماه با فرارسیدن موج جدید تحریم‌ها، گرانی و تورم خواهیم داشت و اثر افزایش زایل خواهد شد. ما دوباره گرانی بیشتر، فقر بیشتر، تضاد طبقاتی بیشتر و انباشت بیشتر ثروت در دست عده‌قلبی که روی منابع ملی چنگ انداخته‌اند، را خواهیم داشت. این مسیر دورانی ه‌مینطور ادامه خواهد داشت. این را

ترمیم دستمزد، در این
شرایط اقتصادی یک
ضرورت غیر قابل انکار
است. اما آیا به صلاح نیست
که دولت به جای تغییر
مهره‌ها و حرکات روبنایی
مثل تغییر رئیس بانک
مرکزی یا افرادی از این
دست، به سمت تغییرات
ساختاری در نگاه و رویکرد
اقتصادی خود برود؟

همه کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: پس نیاز به یک سیاست‌گذاری اصولی برای باز توزیع عادلانه منابع و درآمدها داریم؛ لزوم این سیاست در شرایط بحرانی و تحریم بیشتر خودش را نشان می‌دهد؛ جلوگیری از خصوصی‌سازی، نظارت توانمند دولت بر اقتصاد، حمایت از فروستان، کارگران، معلمان و پرستاران و البته تولیدکنندگان در معرض خطر و حفظ ارزش پول ملی، لازمه‌های سیاست‌گذاری معطوف به عدالت است. بدون این نوع سیاست‌گذاری با ترمیم مزد هم به جایی نمی‌رسیم؛ مملکتی که دارد با این سیاست‌های نمی‌تواند و نباید سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را اجرائی کند؛ چنین مملکتی نباید خود را به دلار وابسته کند. حسنی نژاد در پایان می‌گوید: متأسفانه مسئولان عزمی جدی برای تغییر فضای اقتصاد و تثبیت فضا به نفع مردم ندارند. اگر داشتند، تشکلهای کارگری را تضعیف نمی‌کردند؛ اگر داشتند به ابرژ و تمندان، دلالان و رانت‌خواران تا این اندازه میدان نمی‌دادند؛ بدون این عزم جدی، افزایش دستمزد، فقط یک مُسکِن است؛ البته یک مُسکِن شایسته.

ترمیم‌مزد، در این شرایط اقتصادی یک ضرورت غیر قابل انکار است. اما آیا به صلاح نیست که دولت به جای تغییر مهره‌ها و حرکات روبنایی مثل تغییر رئیس بانک مرکزی یا افرادی از این دست، به سمت تغییرات ساختاری در نگاه و رویکرد اقتصادی خود برود و مسیری را که ۳۰ سال تحت عنوان «سازندگی» ولی با ماهیت تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی پیموده و به جایی نرسیده، را یکبار برای همیشه کنار بگذارد؟ بهتر نیست به جای مقررات‌زدایی از بازار کار و اقتصاد، در این اوضاع بحرانی به سمت حمایت از فروستان، نیروی انسانی و تولیدکنندگان در معرض خطر حرکت کنند؟ مگر شعار «آزمو ده، را از مودن خستاست» برای همین روز هانیست؟



اجتماعی در پایان، اظهار داشت: در مورد تامین کالاهای اساسی، یک برنامه می‌تواند این باشد که هشت‌دهک در رابطه با همه کالاهای بر خوردار شوند. اما در رابطه با حمایت مالی (تقدی) و اجتماعی، پنج دهک انتهای جدول درآمدی کشور، مدنظر هستند.

بودجه، معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی ارزیابی‌هایشان را پیش‌تر انجام داده و تحویل داده‌اند. برآیند مطالعات اینها، برنامه‌های این بسته حمایتی شده است. سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه

پنج دهک انتهای جدول درآمدی حمایت مالی می‌شوند

اجتماعی از پنج دهک اول جامعه، آنهاپی که به لحاظ درآمدی در انتهای قرار دارند (حداقل‌بگیران بازنشسته یا کارگر، مستمری‌بگیران تحت پوشش نهادهای حمایتی). این دهک‌ها مورد حمایت مالی قرار خواهند گرفت. میزان مبلغی که قرار است به هر یک از این دهک‌ها پرداخت شود، هنوز مشخص نیست. وی تأکید کرد: آنچه قطعی است، اینکه پنج دهک مشخص شده که باید مورد حمایت مالی قرار گیرند. عدد و محتویاتی که در این کالاکارت قرار می‌گیرد، باید در خود هیئت دولت مصوب شود. تیم کارشناسی بانک مرکزی، سازمان برنامه و

مردم بوده و به‌صورت اپلیکیشن نصب می‌شوند یا به صورت کوپن الکترونیکی که این مسائل حداکثر ظرف دو-سه هفته آینده مشخص می‌شوند. معمولاً کالاهای اساسی هم مشخص است که چه هستند، کالاهایی از قبیل برنج، مرغ، گوشت، روغن، لبنیات و... وی افزود: ایده‌ای که می‌توان آن را به کار بست و البته هنوز نهایی نشده، این است که در روستاها، کالاکارت ارائه نکنیم بلکه با یارانه‌های نقدی کار را پیش ببریم چرا که برای مثال، یک روستایی ممکن است خود مرغ و چیزهای دیگر را داشته باشد. بندپی گفت: برنامه دوم معطوف به حمایت

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: در بسته حمایت اجتماعی دولت، پنج دهک (شامل حداقل‌بگیران بازنشسته و یا کارگر و مستمری‌بگیران تحت پوشش نهادهای حمایتی) مشخص شده که باید مورد حمایت مالی قرار گیرند.

انوشیروان محسنی بندپی در گفتگو با ایلنا، در رابطه با بسته حمایت اجتماعی دولت، گفت: کار فکری بسته حمایت‌های اجتماعی طی چند جلسه صورت پذیرفته است. در این بسته، دو برنامه دنبال می‌شود: یک؛ تامین کالاهای اساسی از طریق کارت‌هایی که از قبل در اختیار